علی رضی الله گفت: با فاطمه رضی الله عنها ازدواج کردم؛ گفتم: ای رسول خدا، به من اجازه ی ورود نزد فاطمه بدهید. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «چیزی [به عنوان مهریه] به او بده». گفتم: چیزی ندارم. فرمود: «زره حُطَمی ات کجاست؟». گفتم: آن را دارم. فرمود: «آن را به فاطمه بده».

از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که علی رضی الله گفت: با فاطمه رضی الله عنها ازدواج کردم؛ گفتم: ای رسول خدا، به من اجازه ی ورود نزد فاطمه بدهید. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «أَعْطِها شيئًا»: «چیزی [به عنوان مهریه] به او بده». گفتم: چیزی ندارم. فرمود: «فأينَ دِرْعُكَ الحُطَمِيَّة؟»: «زره حُطَمی ات کجاست؟». گفتم: آن را دارم. فرمود: «فَأَعْطِهَا إِيَّاهُ»: «آن را به فاطمه بده».

[صحیح است] [به روایت نسائی - به روایت ابوداوود - به روایت احمد]

در این حدیث آمده که رسول الله صلی الله علیه وسلم پسر عموی خود علی بن ابی طالب رضی الله عنه را به ازدواج دخترش فاطمه رضی الله عنها درمی آورد؛ و به علی رضی الله عنه امر می کند مهریه ای به همسرش بدهد تا به این ترتیب دل او را به دست آورده و تمایل خود را به او نشان دهد، اما چون علی رضی الله عنه چیزی به این منظور نزد خود نمی یابد، رسول الله صلی الله علیه وسلم از او در مورد زره اش می پرسد تا آن را به عنوان مهریه به فاطمه رضی الله عنها بدهد. هرچند چیز اندکی به حساب می آمد. و اینکه فرمود: «الحطمية» یعنی منسوب به قبیله ی حطمة بن محارب یکی از شاخه های عبدالقیس که زره می ساختند.

http://www.sunnah.global/hadeeth/fa/show/58104